

به نام

خداوند جان و خرد

۱۴۲۳۳۷



بنسایادیران شاسی



پایان نامه کار شاسی ارشد ناپوسته

رشته ایران شاسی

کرایش عمومی

بررسی باستان کرایبی در تاریخ نگاری دوره قاجار

استاد راهنما: دکتر محمد رضا نصیری

استاد مشاور: دکتر زهره زر شناس

۱۳۸۹ / ۷ / ۲۲

بهزاد نعمتی

بهمن ۱۳۸۸

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱۴۲۳۳۷

بسمہ تعالیٰ

پایان نامہ کارشناسی ارشد

رشتہ ایران شناسی

کرائش: عمومی

عنوان: بررسی باستان کرایہ د تاریخ نگاری دورہ قاجار

نگارش: آقای بہزاد نعمتی

گروہ داوران

استاد رہنما: جناب آقای دکتر محمد رضا نصیری

استاد مشاور: سرکار خانم زہرہ زر شناس

استاد داور: سرکار خانم دکتر سہیلا صارمی

استاد داور: جناب آقای دکتر خسرو بیگی

امضاء
میرزا علی

امضاء
میرزا علی

امضاء
میرزا علی

امضاء
میرزا علی

تاریخ: ۱۳۸۸/۱۱/۱۱

سپاسگزاری

جناب آقای دکتر محمدرضا نصیری استاد محترم راهنما و سرکار خانم دکتر زهره زرشناس مدیر محترم گروه و استاد مشاور که هدایت علمی اثر را برعهده داشته، در این امر بردباری و بزرگواری نشان دادند؛ استادان گرامی آقایان دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، دکتر محمدتقی ایمان‌پور، دکتر سیروس نصرالله‌زاده، دکتر محمد جواد مهدوی و دکتر نصرالله صالحی که راهنمایی‌های مفیدی داشته و منابعی را در اختیارم گذاشتند؛ همسر سرکار خانم فاطمه جهان‌پور که چون همیشه، از دانش و کمک و همراهی ایشان بسیار بهره‌مند شدم؛ دوستان گرامی آقایان علی یحیایی و ابوالفضل حسن‌آبادی، دانشجویان دکتری دانشگاه اصفهان که اشارات مفیدی داشته و برخی مأخذ را معرفی کردند؛ آقایان سلیمانی کتابدار کتابخانه تخصصی تاریخ و قاسمیان کتابدار تالار محققان کتابخانه آستان‌قدس که در استفاده از منابع آنجا تسهیل فراوان قائل شدند؛ همکاران محترم در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان‌قدس استادان محترم آقایان احمد نمایی و اصغر ارشادسرابی و آقایان حسن خانی، محمد فرحزاد، محمد حقیقی، احمد پهلوان‌زاده و دوستان گرامی سرکار خانم زهرا طلایی و آقایان سید حسین حسینی، فرزاد شاکری، محمدمهدی نقی‌پور، مجتبی رضایی و دکتر زاگرس زند که هر کدام به نوعی، گره‌گشای مشکلات بودند. نیز سپاسگزاری می‌شود از جناب آقای جلالی کارشناس محترم گروه ایران‌شناسی بنیاد که یاری کردند تا برخی سختی‌های پیش‌رو آسان گردد.

فهرست مطالب

فصل اول - گستره علمی پژوهش

۲	مقدمه
۴	بیان مسئله
۵	اهمیت و ضرورت
۵	روش پژوهش
۵	اهداف
۶	پرسش‌ها
۶	فرضیه‌ها
۷	تعریف‌ها

فصل دوم - پیشینه پژوهش و بررسی منابع

۱۲	الف- پیشینه پژوهش
۲۶	ب- مروری بر منابع اصلی

فصل سوم - روش و مراحل پژوهش

۳۴	روش پژوهش
۳۵	دامنه انجام کار
۳۶	شیوه کار و مراحل انجام آن

فصل چهارم - مورخان دوره قاجار و ایران پیش از اسلام

۴۰	مقدمه - مروری بر تاریخ‌نگاری دوره قاجار
۴۰	الف - تاریخ‌نگاری سنتی
۴۲	ب - تاریخ‌نگاری جدید
۵۳	تاریخ‌نگاری باستان‌ان در دوره قاجار
	چهره‌های مهم در نگاه به تاریخ ایران باستان
	جلال‌الدین میرزا و نامه خسروان
۵۶	زندگی جلال‌الدین میرزا
۵۹	نامه خسروان
	میرزا آقاخان کرمانی، آئینه سکندری و نامه باستان
۶۳	زندگی میرزا آقاخان کرمانی
۶۵	آئینه سکندری
۶۸	نامه باستان
	میرزا فتحعلی آخوندزاده، مکتوبات کمال الدوله و الفبا
۷۲	زندگی آخوندزاده
۷۵	آثار آخوندزاده
	محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، تاریخ ایران و درالتیجان فی تاریخ بنی الاشکان
۷۸	زندگی اعتمادالسلطنه
۸۱	تاریخ ایران
۸۴	درالتیجان
	فرصت‌الدوله شیرازی، آثارالعجم و خط میخی؛
۹۱	زندگی فرصت‌الدوله
۹۳	آثارالعجم
۹۵	خط میخی

فصل پنجم - تحلیل و نتیجه‌گیری

نشانه‌های باستان‌گرایی در منابع تاریخی دوره قاجار

۹۸

الف - باستان‌گرایی واژگانی و سره‌نویسی

۱۱۲

ب - باستان‌گرایی در محتوا و گزارش تاریخ

۱۳۲

تحلیل و تفسیر

۱۴۰

نتیجه‌گیری

۱۴۲

تصاویر

۱۵۰

منابع و مآخذ

۱۵۶

چکیده انگلیسی



نام خانوادگی: نعمتی

نام: بهزاد

رشته تحصیلی و گرایش: ایران شناسی - عمومی

نام استاد راهنما: آقای دکتر محمدرضا نصیری

نام استاد مشاور: خانم دکتر زهره زرشناس

تاریخ فراغت از تحصیل: بهمن ۱۳۸۸

عنوان پایان نامه: بررسی باستان‌گرایی در تاریخ‌نگاری دوره قاجار



بنیاد ایران‌شناسی

چکیده رساله

دوره قاجار عصر دگرگونی‌های مهم در تاریخ جهان و ایران بود. در این دوره، مراودات اجتماعی، بازرگانی و فرهنگی ایران و جهان غرب افزایش چشمگیری یافت و نیز اندیشه‌ها و افق‌های تازه‌ای در میان مردم پدید آمد. یکی از پدیده‌های تازه این دوره در ایران، دگرگونی در شیوه تاریخ‌نگاری شماری از تاریخ‌نگاران بود. این تغییرات باعث نگاشته شدن برخی آثار تاریخی درباره ایران شد که ترتیب و طرح تازه‌ای داشت و نسبت به سایر منابع تاریخی، از الگوی متفاوتی پیروی می‌کرد. جلال‌الدین میرزای قاجار صاحب نامه خسروان و میرزا آقاخان کرمانی نویسنده نامه باستان و آئینه سکندری از مهم‌ترین مورخان این سبک بودند.

دو ویژگی عمده در سبک آنان عبارت بود از: ۱- توجه به زبان فارسی، استفاده از کلمات کهن فارسی و ساده‌نویسی در نگارش تاریخ. ۲- توجه به ایران باستان از راه‌های مختلف از جمله آغاز کردن تاریخ با شاهان اسطوره‌ای یا تاریخی ایرانی به جای پیامبران و محور قرار دادن ایران، به جای اسلام؛ پرشکوه جلوه دادن ایران پیش از اسلام و سیاه نمایی تاریخ ایران در دوره اسلامی؛ پرداختن به نگارش آثار تحقیقی مستقل درباره سلسله‌های قبل از اسلام.

مطالعات باستان‌شناسی و کتاب‌های تحقیقی شرق‌شناسان درباره ایران، در این جریان تاریخ‌نگاری تازه اثر گذاشت؛ اما تمام مطالب این آثار تاریخی، به ویژه مطالب برگرفته از دست‌نویس‌ها و سایر منابع آذرکیوانی، با واقعیات تاریخی همخوانی نداشت.

این تلاش و دگرگونی در گزارش‌های تاریخی، خود بخشی از تلاش نوگرایانه ایرانیان دو سده اخیر در بازشناسی هویت تاریخی و ملی خود بود که هم‌زمان با سایر ملت‌های جهان، صورت گرفت و در فکر و رفتار جامعه و حکومت ایران دهه‌های بعد هم بازتاب یافت.

کلیدواژه‌ها: ایران باستان، باستان‌گرایی، تاریخ‌نگاری، دوره قاجار.

فصل اوّل

گستره علمی پژوهش

همچو ما روزگار مخلوق است

گله کردن ز روزگار خطاست

گله از هیچ کس نباید کرد

کز تن ماست آنچه بر تن ماست

سعود سعد سلمان

مقدمه

«تاریخ» شناختِ شدنِ انسان است و «تاریخ‌نگاری» شناختِ تکوینِ تاریخ. اگر شناخت تاریخی نباشد، این گمان پیش می‌آید که شرایطی که امروز در آن به سر می‌بریم، ازلی بوده و آنچه هست، همیشه به همین گونه بوده است! این مسئله در عرصهٔ تفکر و ذهنیات بیشتر وجود دارد؛ اما در عین حال، تغییرات فکری پنهان‌تر و درک آن دشوارتر است. مسئلهٔ کشور و سرزمین، ملیت، وطن، هویت ایرانی، کهن‌سالی سرزمین ایران و زبان پارسی، همبستگی و غرور ملی، حکومت قانون و آزادی و حقوق فردی و اجتماعی و ... از جمله مفاهیمی است که در گذشته، آن گونه که امروز در نظر مردمان است، نبوده و برخی از این مفاهیم، امروزه چنان پر دامنه و فراگیر شده که تصور نبود یا تفاوت آن در گذشته، بسیار مشکل است.

آنچه مسلم است در گذشتهٔ نه چندان دور، یعنی تا دو سدهٔ پیش، اندیشهٔ مردم دربارهٔ مفهوم ایران و مام وطن، آنچنان که امروز است نبود و تاریخ آن را هم چنان که امروز می‌دانند، نمی‌دانستند و به ویژه دربارهٔ تاریخ ایران پیش از اسلام، پندار دیگری حاکم بود که بسیاری از جزئیات و حتی کلیات آن، با تاریخ واقعی ایران باستان متفاوت است.

در دورهٔ پهلوی اول به تاریخ و فرهنگ ایران باستان توجه شد و این گذشته به منزلهٔ امید آینده قرار گرفت. زبان و ادب، معماری و تاریخ پر شد از عناصر باستانی، و تصویر بسیار پرشکوهی از ایران قبل اسلام ترسیم گشت که تأمل برانگیز بود و تحریک‌آمیز. تحریک‌آمیز به امید بازآفرینی چنان اقتدار و شکوهی برای آینده. در این دوره کارهای فراوانی بر اساس این اندیشه انجام شد. تلاش برای

پاک‌سازی زبان فارسی از لغات بیگانه و حتی ساختن کلمات و تعبیرات تازه فارسی برای بسیاری واژگان بیگانه در فرهنگستان تازه تاسیس شده؛ تدوین انواع تاریخ‌های نو برای ایران با نگاه جدید به ایران باستان و تدریس آن در مدارس و دانشگاه‌ها؛ برگزاری گردهمایی‌ها و نکوداشت‌ها برای تحقیقات ایران باستان و محققان این عرصه و ...

این جریان فکری در دوره پهلوی دوم نیز همچنان گسترده بود و حتی در سال‌های آخر حکومت، به تغییر مبدأ تاریخ از اسلامی به شاهنشاهی دست زد و جشن‌های عظیم دو هزار و پانصد ساله را برگزار کرد که عکس‌العمل‌های فراوانی را در جامعه ایران پدید آورد. در سی سال اخیر نیز ایران باستان همواره مسئله پر بحث و حساسی بوده که درباره آن، چه در زمینه شناخت تاریخ و فرهنگ و چه در زمینه تفسیر و توضیح دوره‌ها و جایگاه و اهمیت هر دوره، گفت‌وگو و اختلاف رأی فراوانی وجود دارد. این آرا بعضاً بسیار متضاد و منافی یک دیگر و عامل چالش‌های بسیاری بوده است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که جامعه ایرانی، هنوز نتوانسته درباره جایگاه، اهمیت و حتی وضعیت ایران دوران باستان، به اندازه کافی بدانند و آن را درست و واقعی تفسیر و تحلیل کند.

این موضوع، از مسائل بسیار مهم فرهنگ ایران معاصر است که قطعاً پیشینه آن به همین یک سده اخیر ختم نمی‌گردد. از طرف دیگر، شیفتگی و توجه به ایران باستان، به این صورت گسترده امروزی، دست‌کم در آثار تاریخی سده‌های دور و قبل از دوره قاجار دیده نمی‌شود و پیشتر از دو - سه سده قبل، جریانی که در این مسیر حرکت کند، دیده نمی‌شود، مگر آثار و اشاراتی که جریان‌ساز نبوده‌اند. بنابراین، فاصله زمانی میان دو دوره، عصر مهمی در گسترش و تکمیل این نگاه است. دوره قاجار از این جهت، برای بررسی سیر باستان‌گرایی در ایران اهمیت فراوان دارد.

اولین بار در سخنان ریاست محترم بنیاد ایران‌شناسی، جناب آقای دکتر حبیبی - که درباره انتخاب موضوع رساله برای دانشجویان ایراد کردند - به موضوع تاریخ‌نگاری ایرانی حساس شدم. یکی از مثال‌های ایشان، ویژگی‌های تاریخ‌نگاری ایرانی بود و درباره ابوالفضل بهیمنی و دیگران مطالبی عنوان نموده، اشاره کردند که شاید بتوان از بررسی آثار تاریخی ایرانی، ویژگی خاصی را شناخت و معرفی کرد. این مطلب در نظرم بود تا این که تصادفاً به مقاله‌ای از آقای دکتر محمد توکلی طرّقی در یک

روزنامه برخوردارم که در آن، تجدّد را به گونه‌ای دیگر دیده بودند. از آن مقاله به اثر ارزشمند ایشان، یعنی تجدّد بومی و بازاندیشی تاریخ راه بردم و با خواندن اولین و دومین مقاله کتاب، به موضوع حاضر علاقه‌مند شده و پس از مطالعه بیشتر در این زمینه، آن را موضوعی بسیار جذاب یافتیم. در ادامه با مشورت و راهنمایی استاد گرامی و مدیر محترم گروه، سرکار خانم دکتر زرشناس و نیز استاد گرانقدر جناب آقای دکتر سیروس نصرالله‌زاده، آن را برای موضوع رساله انتخاب کردم و جناب آقای دکتر محمد رضا نصیری و سرکار خانم دکتر زهره زرشناس نیز با بزرگواری، راهنمایی و مشاورت آن را عهده گرفتند. از همه استادان و سروران بزرگوار سپاسگزارم.

بیان مسئله

دوره قاجار عصر تحولات مهم در جامعه ایران بود. این تحولات، با دگرگونی‌های مهمی در دنیای همراه شد. از مهم‌ترین این دگرگونی‌ها، تحوّل در اندیشه سیاسی، رشد و تکامل مفهوم ملیت و گسترش جدی وطن‌ستایی و ملی‌گرایی است. همچنین در عرصه علوم انسانی، علاوه بر بینش و فکر سیاسی که دگرگون شد و مشروطه را پیش برد، فکر تاریخی و شیوه‌های تاریخ‌نگاری نیز عرصه‌های تازه‌ای را فرا روی خود دید و آثاری نو در این عرصه خلق شد. در این کتاب‌های تازه، علاوه بر سبک بیان و نگارش، محتوی، دسته‌بندی و شیوه تدوین کار و همچنین اهمیت و جایگاه دوره‌ها و وقایع تاریخی در چشم برخی تاریخ‌نگاران تغییر کرد. یکی از این تغییرات، ظاهر شدن گرایش به ایران باستان است که این نوشته به بررسی این گرایش در آثار تاریخی دوره قاجار می‌پردازد. گرایشی که هم در زبان و استفاده از واژگان قدیمی و سره فارسی آشکار شد و هم در شیوه تدوین تاریخ و نیز در چهره‌ای که از ایران باستان، در برابر ایران دوره اسلامی تصویر شد. تصویری که پر شکوه و رشک‌برانگیز می‌نمود. در دوره قاجار، برای اولین بار کتاب‌های مستقلی درباره تاریخ ایران باستان نگاشته شد. شیوه تاریخ‌نگاری این آثار بسیار متنوع بود، از علمی و متکی به منابع و آخرین تحقیقات فرنگی، تا داستان‌پردازانه و سرشار از عواطف و احساسات. اما آنچه که در یک نگاه کلی جلب نظر می‌کند، این توجه و نگاه به سده‌ها و هزاره‌های پیش از اسلام است، که رویدادی تازه بود.

اهمیت و ضرورت

باستان‌گرایی دست‌کم در یک سده اخیر از گرایش‌های مهم فکر جامعه ایران و در دوره پنجاه و اندی ساله حکومت پهلوی گرایش رسمی حکومت بوده و این سلسله در رواج آن تلاش فراوان کرد. این تمایل حکومت به ایران باستان، از ویژگی‌های مهم تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. پیداست که رواج این اندیشه، سابقه قبلی و زمینه‌های فکری خاص خود را دارد. با توجه به این که باستان‌گرایی بر بنیاد گذشته ملت نهاده می‌شود و در آن، تاریخ نقش محوری دارد، برای پیدا کردن عرصه رشد این تفکر، تاریخ‌نگاری زمینه بسیار مهمی است که در شکل‌گیری و گسترش آن نقش اساسی داشته است. به همین روی، بررسی تمایلات باستان‌گرایانه در تاریخ‌نگاری دوره قاجار می‌تواند زمینه فکری برخی افکار و اعمال حکومتی و مردمی دوره‌های بعد را روشن سازد و توضیح بهتر آنها را ممکن سازد.

روش

روش پژوهش در این رساله، تاریخی و توصیف تحلیلی است و پژوهش ماهیتی اسنادی و کتابخانه‌ای دارد.

اهداف

مهم‌ترین هدف پژوهش روشن ساختن گستره باستان‌گرایی در متون تاریخی دوره قاجار، به عنوان یکی از عرصه‌های فکری این دوره، و زمینه‌های این گرایش است. این که تمایل و شیفتگی به ایران باستان چقدر در آثار این دوره رایج بوده، جریان طرح‌کننده این فکر چه می‌خواسته، و چهره تاریخ‌ترسیم شده، واقعی بوده است یا خیر؟

پرسش‌ها

- ۱- نشانه‌های تمایلات باستان‌گرایانه در متون تاریخی دوره قاجار، چیست؟
- ۲- باستان‌گرایی تا چه حد در تاریخ‌نگاری دوره قاجار رشد کرد و آیا این فکر، گرایش رایج در آثار تاریخی این دوره بوده است؟
- ۳- زمینه‌های باستان‌گرایی در دوره قاجار چه بوده است؟
- ۴- باستان‌گرایی با چه انگیزه‌هایی در آثار مورخان دوره قاجار راه پیدا کرده و چه هدفی دنبال می‌کرده است؟
- ۵- آیا مطالب موجود در متون تاریخی که بر اساس این تمایل نگاشته شده، با واقعیت‌های تاریخی همخوانی دارد؟

فرضیه‌ها

- ۱- استفاده از واژگان پارسی سره از نشانه‌های مهم باستان‌گرایی در آثار تاریخی دوره قاجار است.
- ۲- تغییر در جایگاه و اهمیت ایران باستان و دگرگونی در تقسیم‌بندی‌های سیر تاریخی از نشانه‌های دیگر باستان‌گرایی در متون تاریخی دوره قاجار است.
- ۳- به لحاظ کمی، باستان‌گرایی اندیشه رایج در تاریخ‌نگاری دوره قاجار نبوده و گسترش نسبی آن نیز از اواسط دوره ناصری روی داده است.
- ۴- اگر چه شیفتگی به ایران باستان در اغلب متون تاریخی دوره قاجار دیده نمی‌شود، اما اندک آثار دارای این گرایش، تأثیرگذار و مهم بوده‌اند.
- ۵- به نظر می‌رسد تمایل به ایران باستان در آثار تاریخی این دوره، زیر تأثیر اندیشه‌های پارسیان هند، به ویژه متون دساتیری و نیز آثار ایران‌شناسان فرنگی بوده و در آن خطاهای تاریخی زیادی راه یافته بوده است.
- ۶- اندیشه‌های ملی‌گرایانه و عوامل گسترش این اندیشه‌ها (مثل آشنایی با افکار غربی، شکست‌های پی در پی در جنگ با روس)، از انگیزه‌های مهم تقویت شیفتگی به ایران باستان، در تاریخ‌نگاری این دوره است.

۷- احتمالاً هدف عمده باستان‌گرایی در تاریخ‌نگاری این دوره ایجاد انگیزه تجدد، تقویت حس ملی و مبارزه با سلطنت و مذهب به عنوان دو عامل در برابر نوگرایی و تغییر بوده است.

تعریف‌ها

تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری معادل واژه *Historiography* یعنی نگاشتن تاریخ و رویدادها (انوری و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۵۶۹/۳ *Merriam Webster Dictionary*)

«توصیف مکتوب احوال و اعمال انسان را به هر روش و مبتنی بر هر مکتب و رعایت هر شیوه تنظیم و تدوین، می‌توان تاریخ‌نگاری خواند که در معنای خاص، بر ثبت وقایع و احوال سیاسی و اجتماعی هر قوم یا جامعه جهانی اطلاق می‌گردد. عامل متغیر در فن تاریخ‌نگاری، انگیزه‌ها و اهداف و فواید یا علل غایی تاریخ‌نگاری است». (سجادی و عالم زاده، ۱۳۷۵: ۱۱) تاریخ‌نگاری شعبه‌ای از علم تاریخ است و قدمتی همانند این علم دارد. تاریخ گذشته به عنوان واقعیتی مستقل از ذهن انسان به کمک تاریخ‌نگاری با انسان ادوار بعد حرف می‌زند. (آرام، ۱۳۸۶: ۱۳)

در بیان تعریفی از تاریخ‌نگاری باید میان تاریخ‌نویسی با تاریخ‌نگاری و مورخ و وقایع‌نگار تمایز قائل شد. تاریخ‌نویسی به مفهوم نوشتن تاریخ براساس سبک‌های متفاوت می‌باشد. به واقع تاریخ‌نویسی شیوه نگارش تاریخ است و با شکل رخداد سر و کار دارد. *المختصر فی علم التاریخ* در تعریف تاریخ‌نگاری می‌نویسد: «تاریخ‌نگاری علمی است که در آن زمان و اوضاع و احوال و نیز احوال مربوط به آن زمانها از جهت تعیین وقت به بحث و بررسی گذاشته شود» (کافیچی به نقل از روزنتال، ۱۳۶۸: ۶۰/۲). وقایع‌نگار کسی است که به ثبت آنچه می‌بیند و می‌شنود اقدام می‌نماید و به درستی و نادرستی اصالت آنچه می‌نویسد توجهی ندارد، حال آنکه مورخ کسی است که با مطالعه کلیه اسناد و مدارک موجود و بهره‌گیری از منابع با چشم‌انداز و دیدی وسیع با یک برداشت خاص از تاریخ، به نگارش تاریخ اقدام می‌نماید. (فائم‌مقامی، ۱۳۵۸: ۶).

برخی مراد از تاریخ را به عنوان اصطلاح خاص «وصف و ثبت وجوه گوناگون حیات و احوال انسان در عرصه سیاست و اجتماع» می‌دانند (سجادی، ۱۳۸۵: ۳۰۲/۱۴) و موضوع تاریخ را، یعنی آنچه از عوارض ذاتی آن بحث می‌کند، بررسی حوادث و تحولات رخ داده در اندیشه و حیات آدمی می‌شناسند. سپس مفهوم آن را، یعنی مجموع صفاتی که تصور تاریخ حاوی آن است، در بردارتنه مجموع خصایص و صفات همان تحولاتی می‌دانند که موضوع تاریخ به شمار می‌آید. در نتیجه، تاریخ‌نگاری را وصف مکتوب احوال و اعمال انسان و آنچه بر او گذشته است، معرفی می‌کنند. (سجادی، ۱۳۸۵، ۳۰۳/۱۴)

تاریخ‌نویسی به مفهوم نوشتن تاریخ براساس سبکهای متفاوت می‌باشد در واقع تاریخ‌نویسی شیوه نگارش تاریخ است و با شکل نگارش رخداد سروکار دارد؛ مانند تاریخ‌نویسی براساس سالنامه‌نگاری؛ اما تاریخ‌نگاری فهم و برداشت مورخ از تاریخ می‌باشد که در تألیف تاریخ‌اش نمایان می‌شود. وقایع‌نگار کسی است که به ثبت آنچه می‌بیند و می‌شنود اقدام می‌نماید و به درستی و نادرستی و اصالت آنچه می‌نویسد توجهی ندارد. حال آن که مورخ کسی است که با مطالعه کلیه اسناد و مدارک موجود و بهره‌گیری از منابع با چشم‌انداز و دیدی وسیع، با یک برداشت خاص از تاریخ به نگارش تاریخ اقدام می‌نماید. (قائم‌مقامی، ۱۳۵۸: ۶ تا ۸). عواملی چند در تاریخ‌نگاری هر مورخی می‌تواند تأثیرگذار باشد. آناتول فرانس در این زمینه به این نکته اشاره دارد که تاریخ‌نگاری بر چه اساس از میان هزاران واقعه تاریخی به گزینش دست می‌زند و برخی را نادیده می‌گیرد (یکتایی، ۱۳۵۱: ۵۲). مورخ تحت تأثیر منافع و پیشداوری‌های جامعه، طبقه و حتی مذهبی می‌باشد که بدان تعلق دارد و به قول آناتول فرانس «تاریخ‌نگاری چون نقاشی می‌ماند که نگارنده همه‌جا سلیقه شخصی و ذوق هنری خویش را مقدم می‌دارد». (پیشین، ۵۳ و ۵۴).

باستان‌گرایی

باستان‌گرایی معادل Archaism به معنی کهن‌گرایی و احیاء و به کار بردن واژگان یا ساختار نحوی کهنه زبان به جای واژگان یا ساختار نحوی معمولی و روزمره. (انوری و دیگران، ۱۳۸۱: ۴۷۷/۲) *The American Heritage College Dictionary*

باستان‌گرایی در ادبیات به طور مشخص تعریف شده است، اما در سایر حوزه‌ها، واژه ای پر کاربرد و کاملاً محدود به تعریف یکسان نیست. این واژه در ادبیات به معنی کاربرد واژگان کهن و مهجور در اثر ادبی است. در معماری به معنی کاربرد نمادها و عناصر معماری کهن در ساختمان و در تاریخ به معنی پر شکوه‌نشان دادن گذشته دور. (انوری، پیشین؛ کیانی، ۱۳۸۶: ۷۳ و ۲۵۱؛ بیگدلو، ۱۳۸۰: ۱۹ و ۲۰) در حوزه تاریخ شاید این گونه بتوان گفت که باستان‌گرایی از مؤلفه‌های جدید برای نویسی ایران و در پی آن است تا با زنده کردن یاد تاریخ پیش از اسلام، به عنوان دوره شکوه‌مندی سرزمین، آن را به عنوان خاستگاه تاریخ ملت و تکیه‌گاه هویت ملی، بر کشد. (اکبری، به نقل از بیگدلو، ۱۳۸۰: ۱۹)

دوره قاجار

دوره قاجار عبارت است فاصله سال‌های ۱۲۱۰ ق. / ۱۷۹۵ م. تا ۱۳۴۴ ق. / ۱۹۲۵ م. و حکومت هفت تن از پادشاهان طایفه قاجاریه بر ایران.

این هفت پادشاه عبارت بودند از آقا محمد شاه (۱۲۱۰ ق. / ۱۷۹۵ م. تا ۱۲۱۲ ق. / ۱۷۹۷ م.)؛ فتحعلی شاه یا باباخان (۱۲۱۲ ق. / ۱۷۹۷ م. تا ۱۲۵۰ ق. / ۱۸۳۴ م.)؛ محمد شاه (۱۲۵۰ ق. / ۱۸۳۴ م. تا ۱۲۶۴ ق. / ۱۸۴۸ م.)؛ ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ ق. / ۱۸۴۸ م. تا ۱۳۱۳ ق. / ۱۸۹۶ م.)؛ مظفرالدین شاه (۱۳۱۳ ق. / ۱۸۹۶ م. تا ۱۳۲۴ ق. / ۱۹۰۷ م.)؛ محمدعلی شاه (۱۳۲۴ ق. / ۱۹۰۷ م. تا ۱۳۲۷ ق. / ۱۹۱۰ م.) و احمد شاه (۱۳۲۷ ق. / ۱۹۱۰ م. تا ۱۳۴۴ ق. / ۱۹۲۵ م.) (لین پل و دیگران، ۱۳۷۵: ۴۶۴/۲؛ باسورث، ۱۳۸۱: ۵۴۰)

آذریکیان

پیروان مکتب آذریکیان (۹۴۲ ق. / ۱۵۲۹ م. تا ۱۰۲۷ ق. / ۱۶۱۲ م.) روحانی زردشتی ایرانی مقیم هند. آذریکیان روحانی زردشتی اهل شیراز بود که در سده یازدهم قمری و زمان شاه عباس اول صفوی به هند رفت و آنجا مکتب فکری خاصی بنیاد نهاد که ترکیبی از آموزه‌های اسلامی، زردشتی، یهودی

مسیحی، مانوی، مزدکی و بودایی بود. این فرقه که به حکمت اشراق سهروردی توجّه خاصی داشت، در فضای اصلاحات دینی اکبر شاه در هند رشد کرد. برخی آذرکیوان را مؤسس فرقه‌ای از متصوّف برهمنی آیین ایرانی می‌دانند. این فرقه و افکار آن که اغلب بر اساس اطلاعات و روایات ساختگی بنا شده، در اوایل سده دوازدهم قمری در میان پارسیان هند طرفدارانی پیدا کرد و به عنوان یکی از مکاتب اصیل و باستانی اندیشه ایرانی تلقی شد و در برخی آثار ایرانی نیز تأثیر کرد. یکی از ویژگی‌های مهم آثار آذرکیوانی، آوردن واژه‌های نو ساخته، که اغلب بی‌اساس است، به جای واژگان و اصطلاحات تازی است. (کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۷: ۷۶ به بعد؛ Corbin, 2009)

دساتیر

کتاب اصلی آذرکیوانیان، شامل سخنان پیامبران کهن ایرانی.

دساتیر در عصر صفویه، توسط پیروان آذرکیوان نوشته شده و شامل سخنانی از چهارده پیامبر متوالی این آئین، از جمله نامه شت مهاباد (از پیامبران پیش از تاریخ) تا ساسان پنجم (که پیش از حمله اعراب به ایران بوده است) می‌باشد. محتوای کتاب که منعکس کننده عقاید آذرکیوان است، مطالب مختلف و ضد و نقیضی را شامل می‌شود که کمترین پیوند را با کیش زردشتی دارد. این کتاب به زبانی خاص و مجعول نوشته شد که هیچ شباهتی به زبان‌های کهن ایرانی، چون فارسی باستان، اوستایی، پهلوی و پازند ندارد. ترجمه‌ای از آن به فارسی متکلف و عاری از لغات عربی نوشته شده که به ساسان پنجم نسبت می‌دهند. دست نوشته این کتاب را ملّا کاووس از ایران (اصفهان) به هند برد و پسرش ملّا فیروز آن را به سال ۱۲۳۴ق. ۱۸۱۷ م. در بمبئی چاپ کرد. بسیاری از لغات مجعول این کتاب وارد فرهنگ‌ها، کتاب‌ها و اشعار فارسی شد و حتی کتاب *برهان قاطع*، انبوهی از واژه‌های آن را وارد ادب ایرانی کرد. ترتیب پادشاهی‌های ذکر شده در این کتاب، به تاریخ‌نگاری ایران راه پیدا کرد و بسیاری از متون تاریخی دوره قاجار، تاریخ پیش از اسلام خود را بر اساس اطلاعات مجعول آن تدوین کردند. (پورداوود، ۱۳۷۵: ۴۸ به بعد؛ اوشیدری، ۱۳۷۱: ۲۸۰)

فصل دوم

پیشینه پژوهش و بررسی منابع

الف - پیشینه پژوهش

گذشته از *باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران* (بیگدلو، ۱۳۸۰) که به بررسی این مسئله در تاریخ معاصر، به ویژه دوره پهلوی پرداخته و در آن به دوره قاجار توجه کرده، درباره باستان‌گرایی در دوره قاجار اثر مستقلی در قالب کتاب منتشر نشده است. اما مقالات و کتاب‌های زیادی به ابعاد مختلف تاریخ‌نگاری دوره قاجار، از جمله باستان‌گرایی پرداخته‌اند. نیز مقالاتی درباره یکی از متون یا تاریخ‌نگاران دوره قاجار که به ایران باستان گرایش داشته اند، وجود دارد.

باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران، اثر رضا بیگدلو کتابی است که گرایش به ایران باستان و شیفتگی به آن دوره را در ابعاد مختلف‌اش بررسی می‌کند. سیاست، زبان و ادب، مطبوعات و از جمله تاریخ. این اثر به سه بخش تقسیم شده است. بخش اول علل باستان‌گرایی را در دوره قاجار جستجو می‌کند. بخش بعدی به ادامه روند باستان‌گرایی در مشروطه و پهلوی اول می‌پردازد و بخش آخر کتاب اختصاصاً به تحلیل و تفسیر رفتارهای باستان‌گرایانه در دوره رضا شاه مربوط می‌شود. در بخش اول کتاب که تماماً در حوزه بحث این تحقیق قرار می‌گیرد، نویسنده در این اثر افکار سه تن از مهمترین اندیشمندان باستان‌گرای ایران دوره قاجار، یعنی آخوندزاده، آقاخان کرمانی و جلال‌الدین میرزای قاجار را بررسی کرده و سپس با نگاهی به ناسیونالیسم غربی و تأثیر آن در ایران، شرق‌شناسی و کشفیات باستان‌شناسی در ایران، انعکاس آنها را در گرایش افکار به ایران پیش از اسلام پی‌گیری کرده است. نیمی از بخش دوم که «روند باستان‌گرایی» نام دارد، به دیگر افراد متمایل به ایران باستان، اعم از روزنامه‌نگار، سیاست‌مدار و ادیب پرداخته و کسانی چون رضاقلی‌خان هدایت، یغمای جندقی و فرصت شیرازی را در این شمار آورده است و در ادامه، وارد دوره پهلوی اول می‌شود که از حوزه این رساله خارج است. اولین بحث کتاب در پی جویی علت عقب ماندگی ایران از علم و تمدن جهانی توسط روشنفکران است. از نظر نویسنده، این جریان، زمینه و علت اجتماعی و ذهنی باستان‌گرایی در ایران می‌باشد. وی همچنین معتقد است که ایده ناسیونالیسم، به عنوان یک فکر اروپایی وقتی وارد ایران شد، یکی از علت‌های گرایش ایرانیان به مقطعی از تاریخ خویش قرار گرفت. مؤلف کتاب معتقد است باستان‌گرایی موضوعی است فرهنگی تا سیاسی و قبل از آنکه یک